

## درس هشتم / پایه‌های آوایی همسان ۲

برای درک پایه‌های آوایی شعر اولین کاری که می‌کردیم برش زدن نشانه‌های هجایی و تقسیم‌بندی آن‌ها به دسته‌های منظم بود. دومین کار برای درک بهتر نظم پایه‌های آوایی، مشخص کردن وزن واژه است. نکته‌ی مهم در دسته‌بندی هجاها نوع نظم آن‌هاست؛ در این درس می‌خواهیم وزن‌های همسان را فرابگیریم.

غمش در نهان‌خانه‌ی دل نشیند / به نازی که لیلی به محمل نشیند

برای استخراج وزن این بیت (همانگونه که قبلاً آموختیم)، ابتدا آن را درست می‌خوانیم و موسیقی آن را درک می‌کنیم و پس از نوشتنش به خطّ عروضی، نشانه‌های هجایی را به طور منظم تقسیم‌بندی می‌کنیم:

پایه‌های آوایی	غَ بِ	مَش نا	دَر زِی	نَ کِ	هان لی	خا لی	نِ بِ	یِ مَح	دِل مِل	نِ نِ	شی شی	نَد نَد
وزن	فعولن			فعولن			فعولن			فعولن		
نشانه‌های هجایی	-- U			-- U			-- U			-- U		

\*هجای هشتم مصراع اول، چون هجای پایان واژه است می‌تواند به بلند تبدیل شود.

به برش پایه‌های آوایی و نشانه‌های هجایی بیت زیر، توجه کنید:

خدایا به خواری مران از درم / که صورت نبندد دری دیگرم

پایه‌های آوایی	خُ کِ	دا صو	یا رَت	بِ نَ	خا بَن	ری دَد	مَ دَ	را ری	نَز دی	دَ گَ	رَم رَم
وزن	فعولن			فعولن			فعولن			فعل	
نشانه‌های هجایی	-- U			-- U			-- U			- U	

اگر به این بیت و بیت قبلی توجه کنیم در می‌یابیم که هر دو بیت نظم و چینش هجایی یکسانی دارند؛ پس وزن هر دو بیت یکسان است. تفاوت این دو بیت فقط در پایه‌ی آخر آن‌هاست. پایه‌ی آخر این بیت یک هجای بلند از بیت قبلی کم‌تر دارد. پس در وزن‌های همسان گاهی اوقات یک هجا و یا بیشتر از پایان آن حذف می‌شود. ممکن است گاهی یک پایه به صورت کامل حذف شود و هر مصراع به جای چهار پایه، سه پایه داشته‌باشد.

حال به بیت زیر که از چهار پایه‌ی همسان تشکیل شده، توجه کنید:

گر جان عاشق دم زند، آتش در این عالم زند / وین عالم بی‌اصل را، چون ذره‌ها بر هم زند

پایه‌های آوایی	گَر وین	جا عا	نِ لَ	عا مِ	شِ بِی	دَم أَص...	زَ ل	نَد را	آ چُن	تَش ذَر	دَ رِ	رین ها	عا بَر	لَم هَم	زَ زَ	نَد نَد
وزن	مستفعلن				مستفعلن				مستفعلن				مستفعلن			
نشانه‌های هجایی	- U - -				- U - -				- U - -				- U - -			

بیت زیر نیز نمونه‌ای از ابیات دارای اوزان همسان است:

یار شدم یار شدم با غم تو یار شدم / تا که رسیدم بر تو، از همه بیزار شدم

پایه‌های آوایی	یا... ر کِ تا	شُ ر سی	دَم دَم	یا... ر بَ دَم	شُ ر تْ	دَم دَم	با آز	غَ م ة	م م	تْ بی	یا... ر زا...	شُ ر	دَم دَم
وزن	مفتعلن			مفتعلن			مفتعلن			مفتعلن			
نشانه‌های هجایی	- U U -			- U U -			- U U -			- U U -			

\*هجای هشتم مصراع دوم، چون هجای پایان واژه است می‌تواند به بلند تبدیل شود.

بیت زیر از نظر نظم پایه‌ها و چینش هجایی همانند بیت بالاست، با این تفاوت که یک هجای کوتاه در پایه‌ی آخرش کم‌تر دارد؛ این قاعده را در بالا نیز مشاهده کردیم.

ای نفس خرم باد صبا / از بر یار آمده‌ای، مرحبا

پایه‌های آوایی	ای اَ	نَ بَ	فَ رِ	سِ یا	خُرُ را	رَ مَ	مِ دِ	با ای	دِ مَر	صَ حَ	با با
وزن	مفتعلن			مفتعلن			مفتعلن (فاعلن)				
نشانه‌های هجایی	- U U -			- U U -			- U -				

\*هجای نهم مصراع اول، چون هجای پایان واژه است می‌تواند به بلند تبدیل شود.

بیت زیر دارای چینش هجایی متفاوتی است که باعث شده وزن‌واژه‌ی دیگری داشته‌باشد؛ نمونه‌های پایه‌های آوایی همسان در ادبیات فارسی بسیار زیاد است که به دلیل همین زیادی نمی‌توان در اینجا همه‌ی آن‌ها را ذکر و بررسی کرد ولی قاعده‌ی همه‌ی آن‌ها یکسان و شبیه به هم است و آن چیزی نیست جز **تکرار یک وزن‌واژه**.

تو حکیمی، تو عظیمی، تو کریمی، تو رحیمی / تو نماینده‌ی فضلی، تو سزاوار ثنایی

پایه‌های آوایی	تْ تْ	حَ نَ	کی ما	می یَن	تْ دِ	عَ یِ	ظی فَض	می لی	تْ تْ	کَ سِ	ری زا	می وا	تْ رِ	رَ ثَ	حی نا	می بی
وزن	فعلاتن			فعلاتن			فعلاتن			فعلاتن						
نشانه‌های هجایی	- - U U			- - U U			- - U U			- - U U						

## خودارزیابی

۱- بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن و نشانه‌های هجایی هر یک را در خانه‌ها جای دهید:

الف) بخندد همی باغ، چون روی دلبر / ببوید همی خاک، چون مشک اذفر

پایه‌های آوایی	بِ بِ	خَ بُو	دَد یَد	هَ هَ	می می	با... خا...	غ ک	چُن چُن	رو مُش	یِ کِ	دِل اَذ	بَر فَر
وزن	فعلون			فعلون			فعلون			فعلون		
نشانه‌های هجایی	U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-

ب) هین سخن تازه بگو، تا دو جهان تازه شود / وارهد از حدّ جهان، بی حد و اندازه شود

پایه‌های	هین	سُ	خَ	نِ	تا	زِ	بِ	گو	تا	دُ	جَ	هان	تا	زِ	شَ	وَد
آوایی	وا	رَ	هَ	دَز	هر	دُ	جَ	هان	بی	حَ	دُ	آن	دا	زِ	شَ	وَد
وزن	مفتعلن				مفتعلن				مفتعلن							
نشانه‌های هجایی	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-

\*هجای چهارم مصراع اول، چون هجای پایان واژه است می‌تواند به بلند تبدیل شود.

\*در هجای اول و دوازدهم مصراع اول و همچنین در هجای هشتم مصراع دوم، مصوت بلند، کوتاه تلفظ می‌شود.

پ) دریادلان راه سفر در پیش دارند / پا در رکاب راهوار خویش دارند

پایه‌های	در	یا	دِ	لان	را	هَ	سَ	فَر	دَر	پی...	ش	دا	رَد
آوایی	پا	دَر	رِ	کا	بِ	را...	هَ	وا	رِ	خی...	ش	دا	رَد
وزن	مستفعلن			مستفعلن				مستفعلن					
نشانه‌های هجایی	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-

\*هجای ششم مصراع اول و همچنین هجای پنجم و نهم مصراع دوم، چون هجای پایان واژه اند می‌توانند به بلند تبدیل شوند.

\*در هجای چهارم مصراع اول، مصوت بلند، کوتاه تلفظ می‌شود.

\*در پایه‌های چهارم مصراع اول و دوم، سه هجای پایانی حذف شده‌اند و فقط یک هجای بلند باقی مانده‌است.

ت) سوزد مرا، سازد مرا، در آتش اندازد مرا / وز من رها سازد مرا، بیگانه از خویشم کند

پایه‌های	سو	زَد	مَ	را	سا	زَد	مَ	را	دَر	آ	تَ	شَن	دا	زَد	مَ	را
آوایی	وَز	مَن	رَ	ها	سا	زَد	مَ	را	بی	گا	نِ	آز	خی	شَم	کُ	نَد
وزن	مستفعلن				مستفعلن				مستفعلن							
نشانه‌های هجایی	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-

ث) ای به ازل بوده و نابوده ما / وی به ابد زنده و فرسوده ما

پایه‌های	ای	بِ	أ	زَل	بو	دِ	وُ	نا	بو	دِ	ما
آوایی	وی	بِ	أ	بَد	زِن	دِ	وُ	فَر	سو	دِ	ما
وزن	مفتعلن			مفتعلن				مفتعل (فاعلن)			
نشانه‌های هجایی	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	-

\*در پایه‌های چهارم مصراع اول و دوم، یک هجای کوتاه حذف شده‌است.

ج) سعادت به بخشایش داور است / نه در چنگ و بازوی زور آور است

پایه‌های	سَ	عَا	دَت	بِ	بِخِ	شَا	یِ	شِ	دَا	وَ	رَسْت
آوایی	نَ	دَر	چَن	گُ	بَا	زُو	یِ	زُو	رَا	وَ	رَسْت
وزن	فَعولن			فَعولن			فَعولن			فَعْل	
نشانه‌های هجایی	U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-

\*طبق قاعده باید هجاهای پایان مصراع را همیشه بلند محسوب کرد؛ پس هجاهای پایان مصراع اول و دوم با اینکه کشیده هستند، بلند محسوب می‌شوند.

\*در پایه‌های چهارم مصراع اول و دوم، هجای پایانی حذف شده‌است.

چ) جرمی ندارم بیش از این، کز جان وفادارم تو را / ور قصد آزارم کنی، هرگز نیازم تو را

پایه‌های	جُر	مِی	نَ	دَا	رَم	بِی	شَ	زِین	کَز	جَان	وَ	فَا	دَا	رَم	تُ	رَا
آوایی	وَر	قَص	دِ	آ	زَا	رَم	کُ	نِی	هَر	گِز	نَ	یَا	زَا	رَم	تُ	رَا
وزن	مِستفَعْلن				مِستفَعْلن				مِستفَعْلن				مِستفَعْلن			
نشانه‌های هجایی	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-

\*در هجاهای هشتم و دهم مصراع اول، مصوت بلند، کوتاه محسوب می‌شود.

ح) نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند / همه اسمند و تو جسمی، همه جسمند و تو روحی

پای‌های	نَ	ظَا	رَا	وَر	دَ	مُ	بُر	دَم	کِ	وُ	جُو	دِی	بِ	تُ	مَا	نَد
آوایی	هَ	مِ	اِس	مَن	دُ	تُ	جِیس	مِی	هَ	مِ	جِیس	مَن	دُ	تُ	رُو	حِی
وزن	فَعْلَاتن				فَعْلَاتن				فَعْلَاتن				فَعْلَاتن			
نشانه‌های هجایی	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-

۲- غزل زیر از کلیم کاشانی را بخوانید و موارد خواسته‌شده را پاسخ دهید:

گر تمنای تو از خاطر ناشاد رود / داغ عشق تو گلی نیست که از یاد رود

نرود حسرت آن چاه زنخدان از دل / تشنه را، آب محال است که از یاد رود

نتوان از او برد هوای شیرین / لشگر خسرو اگر بر سر فرهاد رود

کاش چون شمع، همه سر شود اعضای کلیم / تا سراسر به ره عشق تو بر باد رود

الف) ویژگی‌های شعر کلیم را در غزل بالا مشخص کنید.

۱- ابداع معانی ۲- خیال‌های رنگین ۳- آفرینش مضامین تازه ۴- تصویرهای بدیع شاعرانه ۵- استفاده ضرب‌المثل‌ها و الفاظ محاوره

ب) یک مجاز در بیت سوم مشخص کنید.

«سر» در مصراع اول بیت سوم، مجاز از «فکر و اندیشه» است. (قرینه = هوای شیرین را بردن)

## درس نهم، استعاره

گاهی مجاز بر بنیاد شباهت استوار است و علاقه و پیوند بین معنای حقیقی و غیر حقیقی، علاقه‌ی «مشابهت» است؛ این نوع مجاز را، استعاره می‌گویند. **استعاره**، یعنی عاریت و وام گرفتن. در اصطلاح ادبی، استعاره، کاربرد واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به دلیل شباهت در ویژگی یا صفتی مشترک است. به عبارت دیگر، اگر یکی از دو طرف تشبیه (مشبه یا مشبه‌به) را برگزینیم و طرف دیگر تشبیه را قصد کنیم، استعاره پدید آمده‌است؛ برای مثال:

با کاروان خُله برفتم ز سیستان با حله‌ی تنیده ز دل بافته ز جان «فرخی سیستانی»

در این بیت، فرخی دو بار کلمه‌ی خُله را به کار برده‌است. در مصراع اول خُله در معنای حقیقی (جامه‌ی حریر) به کار رفته و در مصراع دوم، آن را به قرینه‌های تنیده ز دل و بافته ز جان، در معنای غیرحقیقی (شعر) به کار برده‌است. دلیل آن هم شباهت این دو از نظر لطافت و نرمی جامه‌ی حریر و شعر بوده‌است. از سویی دیگر می‌توان گفت شاعر، شعر را در لطافت و نرمی به خُله تشبیه کرده و مشبه (شعر) را حذف نموده، مشبه‌به (خُله) را به جای آن آورده‌است.

همچنین در مثال:

آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد، نیست باد «مولوی»

در مصراع نخست، شاعر دو رکن اصلی تشبیه (آتش/ بانگ نای) را ذکر کرده؛ اما در مصراع دوم مشبه‌به (آتش) را آورده‌است که از آن به مشبه (عشق) پی می‌بریم. یا در بیت:

باز امشب ای ستاره‌ی تابان، نیامدی باز ای سپیده‌ی شب هجران، نیامدی «شهریار»

محبوب شاعر (مشبه) حذف شده و «ستاره‌ی تابان» و «سپیده‌ی شب هجران» (مشبه‌به) به جای آن آمده‌است. و در مثال‌های زیر نیز این کاربرد مجازی و عاریت گرفتن واژه‌ای به جای واژه‌ی دیگر را می‌بینیم.

شب را به بوستان با یکی از دوستان اتفاق مبیبت افتاد؛ موضعی خوش و خرم و درختان در هم؛ گفتمی که خرده‌ی مینا بر خاکش ریخته و عقد ثریا از تاکش در آویخته.

«گلستان سعدی»

گل‌ها و سبزه‌های رنگارنگ (مشبه) حذف شده و به جای آن خرده‌ی مینا آمده‌است. همچنین خوشه‌ی انگور (مشبه) حذف شده و به جای آن «عقد ثریا» آمده‌است.

با تبدیل چهار رکن (تشبیه گسترده به دو رکن (تشبیه فشرده) و باز تبدیل دو رکن به یک رکن (استعاره)، زیبایی سخن بیشتر می‌شود و کلام رساتر و هنری‌تر می‌گردد.